

مکه، شهر محل تولد و بعثت رسول خدا ﷺ و مکان نزول بسیاری از سوره‌های قرآن^۱

سیدعلیرضا عالمی^۲ -----

مکه از مقدس‌ترین شهرهای اسلامی و زادگاه پیامبر اکرم ﷺ است (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵-۶؛ سخاوی، ۱۴۲۲، ص ۵۱) که در شبه جزیره عربستان واقع است (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۰؛ جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۳۲).

مکه از ریشه «م-ک-ک» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۸۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۶۴۵)، در لغت به معنای هلاک شدن و کم شدن است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۶۴۵). دلیل نام‌گذاری این شهر به مکه آن است که هر ستمگری را هلاک می‌کند (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۲) و هرکس به این شهر وارد شود، از گناهانش کم می‌شود (بکری اندلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۶۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۱۸۲؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۸۹). برخی کم بودن آب در این منطقه را دلیل مکه‌نامیدن آن دانسته‌اند (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۶۱۷۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۴۹۱).

مکه را به معنای مکیدن نیز دانسته‌اند، به این سبب که آب در این شهر کم است و باید آن را از

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.

۲. پژوهشگر علوم دینی حوزه علمیه قم.

زمین بیرون کشید (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۴۹۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۶۴۵). برخی آن را صدای نوعی پرنده دانسته‌اند، چون در جاهلیت صدای مردم اطراف کعبه مانند صدای آن پرنده به گوش می‌رسید (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۱۸۱-۱۸۲). این وجه در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۷۷). برخی از مفسران هم وجوه نامگذاری مکه را یادآور شده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۹۹).

مکه ام‌القری نیز نامیده شده است (ابن‌سیده، ۲۰۰۰، ج ۶، ص ۴۹۷؛ ج ۱۰، ص ۵۷۶؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۰)، زیرا خداوند زمین را از این شهر گسترش داد و «دَحْوُ الْأَرْضِ» از آنجا آغاز شد (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۶۰؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۰). این دیدگاه در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام گزارش شده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۸۵). از نام‌های دیگر مکه که در قرآن آمده، بگه (آل‌عمران: ۹۶) به معنای گریه یا ازدحام (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۵۸) و البلد الامین (تین: ۳) است. در منابع، نام‌های دیگری هم برای آن ذکر شده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۱، ص ۳۰۲؛ بکری اندلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷۰؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۵۳). در جغرافیای بطلمیوس، مکه با نام «ماکورابا» ثبت شده است (سالم، بی‌تا، ص ۳۴۷). ابن‌فاسی گزارش کاملی از نام‌های مکه آورده است (ر.ک: ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۷۱-۷۴).

در تورات نام فاران برای مکه به کار رفته است (کتاب مقدس، پیدایش، ج ۲۱، ص ۲۰). به گفته یاقوت حموی، فاران عربی‌شده کلمه‌ای عبری و از نام‌های مکه در تورات است (۱۹۹۵، ج ۴، ص ۲۲۵). کتاب‌های انساب، فاران را منتسب به کوهی در حجاز دانسته‌اند (ر.ک: سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۳۱). جغرافی‌دانان مسلمان نیز فاران را از نام‌های مکه می‌دانند (بغدادی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۰۱۲؛ ابن‌ظهیره، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲؛ صبری پاشا، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۸۱).

در قرآن کریم از شهر مکه تنها در آیه ۲۴ سوره فتح با واژه مکه و در آیه ۹۶ سوره آل‌عمران با واژه بگه یاد شده و در آیات دیگر این عناوین برای آن به کار رفته است: «بَلَدٌ» (بلد: ۱-۲)، «بَلَدَةٌ» (نمل: ۹۱)، «الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۳)، «قَرْيَةً» (نحل: ۱۱۲)، «أُمَّ الْقُرَى» (انعام: ۹۲) و «وَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» (ابراهیم: ۳۷). در قرآن به حرم‌بودن مکه تصریح شده (نمل: ۹۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۷۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۲۴۶) و علت آن امری الهی است که با وصف امن بر آن

تأکید شده است (قصص، ۵۷؛ عنکبوت، ۶۷). در قرآن، تعبیر ام‌القری برای مکه به کار رفته است «و لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام: ۹۲؛ قمری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۰)؛ از این رو به اهل آن اُمّیین گفته شده است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷۷). در قرآن، محدودیت‌های فقهی حرم‌بودن این شهر (مانده: ۹۵-۹۶) و تقدس و فضایل آن بیان شده است (بقره: ۱۲۵؛ آل‌عمران: ۹۶؛ ابراهیم: ۳۵، ۳۷؛ اسراء، ۱؛ بلد: ۱-۳). و از برخی مکان‌های مربوط به آن نیز یاد شده است، مانند کعبه (مانده: ۹۷)، مقام ابراهیم (بقره: ۱۲۵؛ آل‌عمران: ۹۷)، صفا و مروه (بقره: ۱۵۸)، عرفات و مشعر (بقره: ۱۹۸) و مسجدالحرام (← مقاله مسجدالحرام).

در منابع حدیثی نیز به مکه و مباحث مرتبط با آن توجه شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۳۹-۴۰۰؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۹۷).

مفسران ذیل واژه مکه در آیه ۲۴ سوره فتح، غالباً درباره مکه سخن نگفته‌اند و بیشتر به صلح حدیبیه، که موضوع این آیه است، پرداخته‌اند، یا به اشاره مختصر به حرم‌بودن مکه و اینکه حدیبیه در محدوده حرم است، اکتفا کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۷۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۵۸-۵۹؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۲۸۸). درباره بگه نیز مفسران، بدون اشاره به مفهوم‌شناسی آن، عمدتاً به این پرداخته‌اند که بگه نام کل شهر است یا محل مسجدالحرام (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۹۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۳۵۰). برخی مفسران ذیل آیات راجع به مکه به این شهر توجه کرده‌اند (قمری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۹۷-۷۹۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ ۱۶، ص ۲۸۳).

در کتاب‌های تاریخ و سیره نیز به این شهر و حوادث آن پرداخته شده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۲). از قدیم‌ترین تک‌نگاری‌ها درباره مکه، کتاب فضائل مکه نوشته حسن بن یسار بصری (م. ۱۱۰ق) است که از نخستین آثار درباره تاریخ شهرها در تمدن اسلامی است. پس از آن، تاریخ مکه نوشته ازرقی (م. ۲۴۴ق) و اخبار مکه فی قدیم المدهر و حدیثه اثر محمد بن اسحاق فاکهی (م. ۲۷۲ق)، از قدیم‌ترین آثار به شمار می‌روند.

در دوره معاصر کتاب‌های بسیاری به عربی و فارسی درباره مکه نوشته شده‌اند که مهم‌ترین آنها

عبارت‌لند از: مکه و المدينة فی القرآن الکریم، محمد کامل حسن محامی؛ احکام و خصائص الحرمین المکی و المدنی فی الفقه الاسلامی، علی احمد یحیی قاعدی؛ مکه در بستر تاریخ، نعمت‌الله صفری فروشانی؛ و آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان. از جمله مقالات دانشنامه‌ای، مقاله «مکه» در دائرةالمعارف امریکانا نوشته وات (Watt) (ر.ک: ۳۷۳-۳۷۷) و مقاله «مکه» (see: Chabbi, vol 3, pp337-341) و «کعبه» (See: Hawting, vol3, 75-79) در دائرةالمعارف قرآن لایدن است. در مقاله «عرب و عربستان» دائرةالمعارف قرآن راتلج هم به چگونگی تأسیس و نقش تاریخی و ساختار مکه پرداخته شده است (Leaman, pp43-49).

موقعیت جغرافیایی مکه

مکه در منطقه حجاز (مقدس، ۱۴۱۱، ص ۶۹) و غرب عربستان کنونی (احمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۰؛ قلندان، ۱۳۸۶، ص ۴۳)، در طول جغرافیایی ۴۰ درجه و ۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه، واقع شده است (خلیلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴). ارتفاع آن از سطح دریا ۳۳۰ متر است (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵-۶). این شهر در ۴۶۰ کیلومتری جنوب مدینه، ۷۳ کیلومتری شرق جده و ۹۸ کیلومتری غرب طائف قرار دارد (بلادی، ۱۴۳۱، ج ۸، ص ۱۶۵۴). مکه منطقه‌ای سنگلاخ است که از هر جهت کوههایی آن را دربر گرفته است. این کوه‌ها باعث می‌شود ابرهای باران‌زا کمتر به آن نفوذ کند؛ از این رو، از نظر کشاورزی کم‌حاصل بود (ر.ک: خلیلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۵۶) و مکیان نیازهای غذایی خود را از اطراف مکه، به‌ویژه طائف، تهیه می‌کردند (سالم، بی‌تا، ص ۳۵۳).

مکه نزد جغرافی‌دانان شناخته‌شده بود، چنان‌که بطلمیوس از آن سخن گفته و حدود جغرافیایی آن را مشخص کرده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۱۸۱). نام و موقعیت کوههایی که مکه را دربر گرفته‌اند، در منابع جغرافیایی آمده است، که از معروف‌ترین آنها کوه ابوقبیس، قُعیقَعان، حَجُّون (ر.ک: ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۵)، حراء و ثور است (← مقاله غار حراء و ثور). در قرآن، به کوه ثور به سبب غاری که در آن بود، اشاره شده است (توبه: ۴۰). به دلیل وضع طبیعی مکه و واقع شدن آن در بستری سیل خیز، خطر سیل همواره این شهر را تهدید می‌کرد (سالم، بی‌تا، ص ۳۵۵). مکه دارای شعب (زمین حد فاصل میان دو کوه) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۵؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۳۴۶) و وادی‌های (دره میان دو کوه) (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲، ص ۸۶۲) متعددی است. در آیه ۳۷ سوره ابراهیم «بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»، از اطراف خانه خدا به طور عام به وادی تعبیر شده است. مکه چشمه‌ها و چاه‌هایی داشته که نام برخی از آنها در منابع آمده است (ر.ک: ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۲۷).

ساکنان مکه

به فرموده قرآن، کعبه اولین خانه بنا نهاده شده برای عبادت است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» (آل عمران: ۹۶). مکه با ساخت خانه‌ای برای عبادت خدا هویت یافت (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۹۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۹۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۳۵۰). حضرت آدم علیه السلام هنگام هبوط از بهشت، در مکه فرود آمد و کعبه را بنیاد نهاد (ابن ضیاء، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۸) و از آن زمان تا زمان حضرت نوح علیه السلام، مکه محل سکونت انسان‌ها بود (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۶-۳۷). پس از آن، به فرموده قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام همسر و فرزند خردسالش، اسماعیل، را در این سرزمین اسکان داد. پس از سکونت هاجر (همسر ابراهیم) و اسماعیل در آنجا، چشمه جوشانی پدید آمد که زمزم نامیده شد (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۳؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۵۲). در پی این رخداد، گروهی از قبیله یمنی جرهم در کنار آن ساکن شدند و نخستین هسته تأسیس شهر مکه شکل گرفت و اسماعیل با دختری از جرهمیان ازدواج کرد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۳).

در آیه ۳۷ سوره ابراهیم «بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»، به مساعد نبودن سرزمین مکه برای کشاورزی در زمان سفر حضرت ابراهیم علیه السلام به آنجا اشاره شده است. تفاسیر نیز از شکایت هاجر، همسر ابراهیم، از شرایط سخت جغرافیایی مکه سخن گفته‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۳۶۹). اما پس از پدیدار شدن چشمه زمزم این وضع تغییر کرد. به نظر می‌رسد، در زمان بازگشت حضرت ابراهیم علیه السلام، مکه به صورت شهر و سرزمینی مشخص درآمده بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۸۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۴۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۶۸). زیرا ابراهیم علیه السلام پس از بنای کعبه از این وادی با نام «بلد» یاد کرد «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم: ۳۵؛ ر.ک: بقره: ۱۲۶) و بلده سرزمین مشخص شده و محدود شده معنا گردیده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۲). سال‌ها پس از

سکونت هاجر و فرزندش اسماعیل در مکه، زمانی که اسماعیل به میانسالی رسیده بود، کعبه بنا شد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۴). نخست اسماعیل و پس از او فرزندش، نابت، عهده‌دار حرم بودند و پس از ایشان، جُرهمیان ریاست آن را بر عهده گرفتند (ابن داوود دینوری، ۱۹۶۰، ص ۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱، ص ۱۲؛ ر.ک: ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۹-۲۳). بنابر روایات، یکی از دلایل اینکه جرهمیان و خزاعه در مکه نابود شدند، آن بود که حرمت مکه را آن‌گونه که باید مراعات نکردند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۴).

پس از قبیله جرهم، که مدت طولانی در مکه سکونت داشتند، قبیله خزاعه که آنان نیز ریشه یمنی داشتند، بر مکه تسلط یافتند (ر.ک: ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۲-۴۷). به گفته برخی، عمرو بن لُحیّ خزاعی بت‌پرستی را در مکه رواج داد (ابن کثیر، ۲، ص ۱۸۸). قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر ﷺ، خزاعه را از مکه بیرون کرد و قریش بر آنجا مسلط شد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۶؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۱۰۹). برخی نابودی خزاعه را به اسکندر نسبت داده‌اند (ابن داوود دینوری، ۱۹۶۰، ص ۳۳).

مردم مکه پیش از قدرت‌گیری قریش، خانه‌های خود را خارج از محدوده حرم می‌ساختند و تنها برای زیارت داخل حرم می‌شدند. قصی، مردم را به اطراف کعبه کوچاند و اولین خانه را در جوار کعبه بنا کرد که بعدها دارالندوه (محل اجتماع اشراف قریش در تصمیم‌گیری‌ها) نامیده شد (ابن حبیب بغدادی، ۱۴۰۵، ص ۲۹، ۸۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۱۸۶). بیشتر مردم مکه به احترام خلنه کعبه، خلنه‌ها را مدور می‌ساختند تا مانند کعبه نباشد (ابن ضیاء، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۲۲) و ارتفاع خانه‌های خود را از کعبه بالاتر نمی‌بردند. خانه‌ها معمولاً در نداشتند (سباعی، ۱۴۲۰، ۲۹-۳۰)، هرچند این گزارش با روایت پیامبر ﷺ در روز فتح مکه در تناقض است که فرمود هرکس در خانه‌اش را ببندد، در امان است (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۸). در قرآن نیز تصریح شده است که هنگام حج از در وارد خانه شوند و همانند دوره جاهلی از پشتِ خانه‌ها وارد نشوند «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۰۸).

در کنار مسجدالحرام، بازاری دائم به نام حزوره قرار داشت که از دوران جاهلیت تا قرن‌ها پس

از اسلام دایر بود (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ ابن فاسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۵). مکه بازارهای موسمی نیز داشت، مانند بازار بدر بین مدینه و مکه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۴؛ حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۷۵) و بازار عکاظ در اطراف مکه (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۰). در برخی منابع، از سه بازار معروف مکه به نام عکاظ، مَجَنَّة و ذی المَجَاز یاد شده است که در ایام حج دایر می‌شدند (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۸۸؛ ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۸۰).

به سبب ویژگی‌های شهر مکه، کار مردم آنجا عملاً تجارت بود (سباعی، ۱۴۲۰، ص ۴۰) و دامداری به صورت محدود وجود داشت (ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۸۱). واژه قریش ← مقاله قریش، به معنای کسب و تجارت، از این پیشه مکیان حکایت دارد (بیاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۳۳۶). در قرآن اشاره شده که پیشه اصلی قریشیان، به عنوان ساکنان اصلی مکه، تجارت بوده است «لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ * إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (قریش: ۱-۲). مفسران ذیل این آیه، از تجارت‌های مردم مکه سخن گفته‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴۴؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۱۹۷-۲۰۰). مکه مرکز تجاری بود و در مسیر تجاری یمن به شام قرار داشت. یکی دیگر از منابع درآمد مکیان، ثروتی بود که در ایام حج و از بازارهای موسمی آن به دست می‌آوردند (سالم، بی تا، ص ۳۵۷، ۳۶۴).

حرم بودن مکه و امنیت آن

بارزترین ویژگی شهر مکه، حرم بودن آن است. واژه حرم به معنای ممنوع بودن و تعیین حدود برای حفظ از تعرض است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ فیومی، ۱۴۰۵، ص ۱۳۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۱۳۶)، که در متون اسلامی به برخی اماکن مثل کعبه گفته می‌شود (ابن قتیبه دینوری، ص ۵۱). آیه ۹۱ سوره نمل به وضوح از حرم بودن منطقه مکه سخن گفته و دلیل حرمت آن را امری الهی دانسته است «أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا». در آیه ۵۷ سوره قصص «حَرَمًا آمِنًا» و آیه ۶۷ سوره عنکبوت «أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» نیز از حرم بودن مکه یاد شده است.

درباره سبب و چگونگی حرم شدن مکه، دیدگاه‌هایی وجود دارد: برخی سبب آن را به زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام رسانده و گفته‌اند حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام پس از هبوط به زمین، از شیطان به خداوند پناه برد و خدا فرشتگانی فرستاد که از هر سو مکه را فرا گرفتند و این محدوده حرم شد (ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۸۵).

بنا بر نقلی دیگر، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام کعبه را بنا می کرد، حجرالاسود را در جای خود قرار داد و کعبه از چهار سو روشن شد و خداوند تا جایی را که نور حجرالاسود می رسید، حریم کعبه قرار داد (ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۸۵).

قرآن به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام برای امنیت این شهر تصریح کرده است «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم: ۳۵). روایاتی نیز از احترام پیامبر صلی الله علیه و آله به این شهر رسیده است، از جمله اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در حَزْوَرَه (محلی بین صفا و مروه و نجفی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۱۹۷) ایستاد و خطاب به زمین مکه، آن را بهترین و محبوب ترین زمین خدا دانست (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵۵).

در منابع به محدوده جغرافیایی حرم اشاره شده است (ر.ک: ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ ابن فاسی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۳-۶۶). بنا بر قول مشهور، محدوده حرم مکه یک برید (معادل چهار فرسخ) در یک برید است که مسجدالحرام در مرکز آن قرار دارد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۵۵؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۱۸، ص ۴۱۵). این محدوده از مسیر جده به مکه، در حدیبیه بیست کیلومتر، از مسیر مدینه به مکه در تعیم شش کیلومتر، از مسیر جعرانه به مکه در بطن نَمَرَه پانزده کیلومتر، از مسیر ذات عرق به مکه در وادی نخله نوزده کیلومتر، راه طائف از عرفات به مکه در مُزْدَلِفَه ۲۱ کیلومتر و از مسیر یمن به مکه در اَضَاة دوازده کیلومتر است (غفاری، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۳۷). گفته شده است که اولین بار حضرت ابراهیم علیه السلام محدوده حرم را مشخص کرد و نشانه هایی برای آن گذاشت (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۴۳-۲۴۴). این نشانه ها در زمان ابن جبیر، در قرن ششم هجرت، به شکل برج هایی از سنگ بود (۱۴۲۱، ص ۸۰). در طول زمان، این نشانه ها بازسازی شده است (ر.ک: بلاذی، ۱۴۰۲، ص ۳۳؛ شراب، ۱۴۱۱، ص ۳۳). حرم بودن مکه الزامات فقهی در پی دارد، از جمله اینکه بلید با احرام وارد آن شد (بحرانی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۵۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۳۲۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۸۷)، گرچه ساکنان مکه از این حکم مستثنا شده اند (فاکهی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۷۲، ۷۵). پس از سال نهم هجرت، کافران از ورود به مسجدالحرام منع گردیدند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۲۸). طبق آیه ۹۵ سوره مانده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ»، در حال احرام در محدوده حرم نباید صید کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۷۸).

امنیت مکه

یکی از ویژگی‌های مکه، امن خوانده‌شدن آن در قرآن است «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم: ۳۵)؛ از این رو، به این شهر احترام می‌گذاشتند و ساکنان آن در امنیت بودند (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۶۸). در آیه ۵۷ سوره قصص «أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا» و آیه ۶۷ سوره عنکبوت «لَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» نیز از حرمت مکه و امنیت ساکنان آن، در کنار هم، یاد شده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه فرزندش اسماعیل علیه السلام و همسرش هاجر را در مکه اسکان داد، دعا کرد خداوند دل مردمان را به‌سوی آنان و شهرشان متمایل گرداند و از میوه‌ها به آنان رزق و روزی دهد «فَأَجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (ابراهیم: ۳۷) و از میانشان پیامبری برانگیزد (بقره: ۱۲۹). امنیت این شهر باعث شده است تا علاوه بر انسان‌ها (ر.ک: مانده: ۹۶-۹۴)، حیوانات و جانداران دیگر نیز در امنیت باشند و شکار آنها ممنوع باشد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۷۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۱۳۸-۱۴۴). بدین‌گونه، خداوند بر ساکنان مکه منت نهاده و نعمت را بر آنان تمام کرده و ثمرات بسیاری نصیبشان کرده است، اما بیشتر آنان توجه ندارند که این نعمت از جانب خداوند است «أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِيبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (قصص: ۵۷؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۴۰۷). خداوند آنها را از ظلم به زائران و کسانی که به حرم مکه وارد می‌شوند، بر حذر داشته و به کسانی که در این حرم ظلم می‌کنند، وعده عذاب داده است (حج: ۲۵).

از فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز استفاده می‌شود که حرمت مکه و امنیت ساکنان آن با هم ارتباط دارند. در حدیثی، با اشاره به فتح مکه، تصریح شده که حرمت مکه همیشگی است و برای کسی، قبل و بعد از آن حضرت، برداشته نشده است (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۳۶؛ مسعودی، بی‌تا، ۲۳۲؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۰). به گزارش قرطبی، در جاهلیت هر کسی به مکه وارد می‌شد و در آن پناه می‌گرفت، از غارت و قتل در امان بود (۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۴۱). حرب‌بن‌امیه در شعری از حرمت این شهر سخن گفته است (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۱۸۴).

تقدس و فضایل مکه

مقصود از قداست مکه، شرافت و فضایل آن در بُعد دینی است، که مهم‌ترین فضیلت آن، وجود خانه خدا و مسجدالحرام «بَيْتِكَ الْمُحَرَّم» (ابراهیم: ۳۷) در آن است. در آیات متعدد قرآن به تقدس و فضایل این شهر اشاره شده است (ر.ک: بقره: ۱۲۵؛ آل عمران: ۹۶؛ ابراهیم: ۳۵، ۳۷؛ اسراء: ۱؛ بلد: ۱-۳).

خداوند در آیه اول سوره بلد «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» و آیه سوم سوره تین «هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» به این سرزمین قسم یاد کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۴۷، ۷۷۵). به قرینه آیه دوم سوره بلد «وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» مشخص می‌شود که شرافت و قداست مکه به سبب حضور پیامبر ﷺ در این شهر است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۴۷). همچنین به فرموده قرآن، در این شهر اولین بنا برای عبادت ساخته شد (آل عمران: ۹۶) و قبله مسلمانان در آن است (بقره: ۱۴۴) و نزدیک‌ترین شهر به محل بعثت پیامبر ﷺ (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴) و محل نزول وحی و مبدأ اسراء رسول خدا ﷺ به مسجدالاقصی برای عروج است (اسراء: ۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۱۵). بخش زیادی از آیات قرآن در این شهر نازل شده است.

در روایات فراوانی نیز درباره مکه سخن گفته شده (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۳۶۵؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ص ۴۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۶۱) و فضایل و اسامی این شهر ذکر شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۷۵-۸۰)؛ چنان‌که در روایتی از رسول خدا ﷺ، سرزمین برگزیده خوانده شده است (صدوق، الخصال، ۱۴۰۳، ص ۲۲۵) که انجام دادن حسنات در آن ثواب بیشتری دارد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۲؛ صدوق، ۱۳۶۸، ص ۱۰۰؛ همو، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۲۷). درباره وجوب احترام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۶۰) و فضیلت نماز در مکه (ابن قولویه قمی، ۱۳۹۸، ص ۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۸) نیز روایات فراوانی وجود دارد.

در فقه برای حرم مکه احکام خاصی قرار داده شده است که خصائص الحرم نام دارند (نوی، بی تا، ج ۷، ص ۴۷۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۳۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۴۰۱؛ ۱۳، ص ۲۹۷). احکام حاکی از کارهای ممنوع در حرم نیز محظورات الحرم نامیده شده‌اند (کاشانی،

۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۷؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۵۴؛ ر.ک: قحطانی، ۱۴۳۰، ص ۲۷۳) که از آن جمله‌اند: حکم حرمت قطع برخی گیاهان حرم و صید (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۳۹۸-۴۰۱؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۱۸، ص ۴۲۰) و ممنوع بودن اجرای حد و قصاص (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۴۱؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۰، ص ۴۶-۴۷).

قرآن برای انجام مناسک حج، مشاعری در مکه قرار داده «فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۹۸) که وقوف در آنها واجب است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۱).

در آیه ۲۷ سوره حج، خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داده است مردم را برای حج به مکه فراخواند «وَ اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ...»؛ البته مناسک حج پیش از آن نیز وجود داشت و پیامبران بدان اهتمام داشتند (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۳) و تعدادی از این پیامبران در جوار کعبه مدفون‌اند (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۴؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۱۳). علاوه بر قبایل مختلف عرب (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶)، دیگران نیز برای زیارت خلنه خدا به مکه می‌آمدند. ایرانیان با هدلیای گران قیمت به زیارت خانه خدا می‌رفتند، از جمله ساسان، سرسلسله ساسانیان و جد اردشیر بابکان به زیارت خانه خدا رفت و حج گزارد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۵؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۱۴۸). در برخی منابع از حج گزاردن شاپور، بدون ذکر جزئیات آن، سخن رفته است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۱۴۷). اهمیت و اعتبار مذهبی شهر مکه و کعبه باعث شد حاکمان یمن سعی کنند سنگ‌های کعبه را به یمن انتقال دهند تا مردم در آنجا حج بگذارند، اما شکست خوردند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶۳). اقبال مردم به کعبه و شهر مکه باعث شد ابرهه حاکم یمن (← مقاله اصحاب فیل) قصد تخریب آن را داشته باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۰۹)، که در قرآن (ر.ک: فیل: ۱-۵) بدان پرداخته شده است.

مکان‌های مربوط به مکه در قرآن

به برخی از مکان‌های شهر مکه و اطراف آن، در قرآن اشاره شده، از جمله به کعبه که در آیه ۹۷ سوره مائده: خانه محترم خوانده شده است «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُبَيْرَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ». خداوند از کعبه با عناوین دیگری چون «البیت العتیق» (حج: ۳۳)، «البیت المعمور» (طور: ۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲،

ج ۹، ص ۲۴۷) و «بَيْتِكَ الْمُحَرَّم» (ابراهیم: ۳۷) نیز نام برده است. مسجدالحرام نیز از مکان‌هایی است که پانزده بار در سوره‌های گوناگون از آن سخن به میان آمده است (ر.ک: عبدالباقی، ۱۹۸؛ مقاله مسجد الحرام). از سنگی که حضرت ابراهیم علیه السلام روی آن ایستاد و اثر پای او روی آن نقش بست (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۹۹) و هنوز باقی است، در قرآن با عنوان «مقام ابراهیم» یاد شده است، یک بار به عنوان نشانه روشن «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷) و یک بار به عنوان محل عبادت «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵).

صفا و مروه نیز دو کوه‌اند که در آیه ۱۵۸ سوره بقره «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» نام آنها آمده است. این دو کوه در شرق کعبه قرار دارند و طبق روایات، حضرت آدم علیه السلام در صفا فرود آمد و حوا در مروه (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۳۳). بخشی از سنگ‌های خانه خدا از این کوه‌هاست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۹۷؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۷۲). هاجر در جستجوی آب برای فرزندش، اسماعیل، هفت بار بین این دو کوه رفت و آمد، اما آبی نیافت (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۵۲-۱۵۳). برای بزرگداشت این عمل، سعی بین صفا و مروه یکی از اعمال حج است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۳۴) و قرآن از آن به شعائرالله تعبیر کرده است (بقره: ۱۵۸).

در آیه ۱۹۸ سوره بقره: در سخن از مراسم حج، از دو مکان عرفات و مشعرالحرام در حومه شهر مکه یاد شده است «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ». عرفات منطقه وسیعی در شرق مکه و در مسیر شهر طائف است (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹) که با مکه حدود بیست کیلومتر فاصله دارد (کردی، ۵، ص ۳۲۶). درباره علت نام‌گذاری آن وجوه مختلفی گزارش شده است؛ برخی عرفات را به معنای شناخت دانسته‌اند، زیرا حضرت آدم علیه السلام و حوا وقتی به زمین آمدند، در این سرزمین همدیگر را شناختند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۰۴) یا جبرئیل در این مکان حضرت ابراهیم علیه السلام را با مناسک حج آشنا کرد (فاکهی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۰۴). عرفات به معنای اعتراف نیز آمده است، چون حاجیان هنگام حج، به گناه خود اعتراف می‌کنند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۰۴).

مشعرالحرام مکانی در میانه مسیر حجاج از عرفات به مکه است (جعفریان، ۱۳۸۲،

ص ۱۳۸۲، ص ۱۳۳)، که چون حاجیان در مراسم حج در آنجا برای برپایی شعایر الهی اجتماع می‌کنند، به این نام خوانده شده است. مشعر در لغت به معنای محل تعظیم و بزرگداشت شعایر الهی است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵۱؛ خلیلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۲). حاجیان عصر نهم ذی‌الحجه را در عرفات و شب دهم ذی‌الحجه را در مشعرالحرام به سر می‌برند (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶۶؛ محقق حلی، ۱، ص ۱۸۷-۱۸۹؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۲۰، ۳۰، ۳۲، ۴۲).

منايع و مأخذ

١. ابن بطوطة، محمد بن عبدالله، رحلة ابن بطوطة، الرباط: اكاڤيمية الملكة المغربية، ١٤١٧ق.
٢. ابن جبير، محمد بن احمد (م.١٤١٤ق)، رحلة ابن جبير، بيروت: دار ومكتبة الهلال، ١٤٢١ق.
٣. ابن حبيب بغدادى، محمد بن حبيب (م.٢٤٥ق)، المنمق فى اخبار قريش، تحقيق: خورشيد احمد فاروق، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٥ق.
٤. ابن داوود دينورى، احمد (م.٢٨٢ق)، الاخبار الطوال، تحقيق: عبدالمنعم عامر، القاهرة: دار احياء الكتب العربى، ١٩٦٠م.
٥. ابن دريد، محمد بن حسن (م.٣٢١ق)، جمهرة اللغة، تحقيق: رمزى منير بعلبكي، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٨٧م.
٦. ابن سيد الناس، محمد بن محمد (م.٧٣٤ق)، عيون الاثر فى فنون المغازى والشمال والسير، تحقيق: ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دار القلم، ١٤١٤ق.
٧. ابن سيده، على بن اسماعيل (م.٤٥٨ق)، المحكم والمحيط الاعظم، تحقيق: عبدالحميد هنداوى، بيروت: دار الكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
٨. ابن ضياء، محمد بن احمد، تاريخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشريفة والقبر الشريف، تحقيق: علاء ابراهيم ازهرى، ايمن نصر ازهرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٩. ابن ظهيره، محمد بن محمد، الجامع اللطيف فى فضل مكة واهلها وبناء البيت الشريف، بيروت: المكتبة الشعبية، ١٣٩٩ق.
١٠. ابن فارس، احمد بن فارس (م.٣٩٥ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ق.
١١. ابن فاسى، محمد بن احمد، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، قاهرة: مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢٨ق.
١٢. ابن فاسى، محمد بن احمد، العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
١٣. ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم، تأويل مشكل القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
١٤. ابن قولويه قمى، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، النجف الاشرف: دار المرتضوية، ١٣٩٨ق.
١٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م.٧٧٤ق)، البداية والنهاية، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ق.
١٦. ابن منظور، محمد بن مكرم (م.٧١١ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ١٤٠٥ق.
١٧. ابن هشام، عبدالملك حميرى، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى سقا، بيروت: دار المعرفة، بى تا.
١٨. احمدى، سيد محمد، جغرافياى عربستان سعودى واماكن حرمين شريفين، تهران: مشعر، ١٣٨٩ش.

١٩. ازرقى، ١٤١٦، ج محمد بن عبدالله (م. ٢٤٨ق)، اخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، تحقيق: رشدى صالح، بيروت: دارالاندلس، ١٤١٦ق.
٢٠. بحراني، يوسف بن احمد (م. ١١٨٦ق)، الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، تحقيق: محمد تقى ايروانى، قم: نشر اسلامى، بى تا.
٢١. بغدادى، عبدالمؤمن بن عبدالحق (م. ٧٣٩ق)، مرصد الاطلاع على اسماء الامكنة والبقاع، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دارالجيل، ١٤١٢ق.
٢٢. بغدادى، على بن محمد (م. ٧٤١ق)، لباب التأويل فى معانى التنزيل (تفسير الخازن)، تحقيق: محمد على شاهين، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٢٣. بكرى اندلسى، عبدالله بن عبدالعزيز، معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع، تحقيق: مصطفى سقا، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٣ق.
٢٤. بلادى، عاتق بن غيث، معجم المعالم الجغرافية فى السيرة النبوية، مكة المكرمة: دار مكة، ١٤٠٢ق.
٢٥. بلادى، عاتق بن غيث، معجم معالم الحجاز، مكة المكرمة: دار مكة، ١٤٣١ق.
٢٦. بلاذرى، احمد بن يحيى (م. ٢٧٩ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق.
٢٧. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، بيروت: دار ومكتبة الهلال، ١٩٨٨م.
٢٨. ثعلبى، احمد بن ابراهيم (م. ٤٢٧ق)، الكشف والبيان فى تفسير القرآن (تفسير ثعلبى)، تحقيق: ابن عاشور، ساعدى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
٢٩. جعفرى، رسول، آثار اسلامى مكة ومدينته، تهران: نشر مشعر، ١٣٨٢ش.
٣٠. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٤ق.
٣١. حلبى، على بن برهان (م. ١٠٤٤ق)، السيرة الحلبية، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٧ق.
٣٢. حميرى، نشوان بن سعيد (م. ٥٧٣ق)، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، تحقيق: حسين بن عبدالله عمرى و ديكران، بيروت: دارالفكر المعاصر، ١٤٢٠ق.
٣٣. خليلى، جعفر، موسوعة العتبات المقدسة، بيروت: مؤسسة العلمى، ١٤٠٧ق.
٣٤. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، بيروت: الدار الشامية، ١٤١٢ق.
٣٥. زبيدى، سيد محمد مرتضى حسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.

۳۶. زمخشرى، محمود بن عمر (م. ۵۳۸ق)، ربيع الابرار ونصوص الاخبار، تحقيق: عبدالامير مهتا، بيروت: مؤسسة الاعلمي، ۱۴۱۲ق.
۳۷. سالم، سيد عبدالعزيز، تاريخ العرب في عصر الجاهلية، بيروت: دار النهضة العربية، بى تا.
۳۸. سباعى، احمد، تاريخ مكة، مكة المكرمة: مكتبة احياء التراث، ۱۴۲۰ق.
۳۹. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن، البلدانيات، تحقيق: حسام بن محمد قطان، رياض، دار العطاء، ۱۴۲۲ق.
۴۰. سمعانى، عبد الكريم بن محمد (م. ۵۶۲ق)، الانساب، تحقيق: عبدالله عمر بارودى، بيروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ق.
۴۱. شراب، محمد محمد حسن، المعالم الاثيرة في السنة والسيره، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۱ق.
۴۲. شريف لاهيجى، محمد بن على، تفسير شريف لاهيجى، تحقيق: سيد جلال الدين حسيني ارموى، تهران: نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۴۳. صبرى پاشا، ايوب (م. ۱۲۹۰ق)، موسوعة مرآة الحرمين الشريفين و جزيرة العرب، تحقيق: محمد حرب، قاهره: دار الافاق العربية، ۱۴۲۴ق.
۴۴. صدوق، محمد بن على، ثواب الاعمال وعقاب الاعمال، تحقيق: سيد محمد مهدى موسى خراسان، قم: الشريف الرضى، ۱۳۶۸ش.
۴۵. _____، الخصال، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ۱۴۰۳ق.
۴۶. _____، علل الشرايع، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
۴۷. _____، معانى الاخبار، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ۱۳۶۱ش.
۴۸. _____، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق.
۴۹. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: نشر اسلامى، ۱۳۹۳ق.
۵۰. طبرسى، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق)، تفسير جوامع الجامع، تحقيق: ابوالقاسم گرجى، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۵۱. _____، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۲. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، تحقيق: ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۵۳. _____، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۵۴. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيد احمد حسيني، تهران: نشر فرهنگ اسلامى، ۱۴۰۸ق.
۵۵. طوسى، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق: احمد قصير عاملى، بيروت: دار

- احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۶. _____، تهذیب الاحکام، تحقیق: موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۵۷. _____، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق: محمداقرب بیهودی، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۸ ق.
۵۸. عبدالباقی، محمداقرب، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۵۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ ق)، تحریر الاحکام الشرعیة، تحقیق: ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
۶۰. _____، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۶۱. غفاری، ابراهیم، راهنمای حرمین شریفین، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۶۲. فاکهی، محمداقرب اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر وحديثه، تحقیق: عبدالملک بن دهیش، بیروت: دار خضر، ۱۴۲۴ ق.
۶۳. فتال نیشابوری، محمداقرب حسن، روضة الواعظین وبصیرة المتعظین، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۵ ش.
۶۴. فخر رازی، محمداقرب عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۶۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (م. ۱۷۵ ق)، العین، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرایی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۰ ق.
۶۶. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۶۷. فیومی، احمد بن محمد (م. ۷۷۰ ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۵ ق.
۶۸. قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش.
۶۹. قحطانی، سعید بن علی، مناسک الحج والعمرة فی الاسلام فی ضوء الكتاب والسنة، ریاض: مكتبة الملك فهد الوطنية، ۱۴۳۰ ق.
۷۰. قرطبی، محمداقرب احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۷۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۷۲. کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، پاکستان: المكتبة الحبیبة، ۱۴۰۹ ق.
۷۳. کتاب مقدس، ترجمه: فاضلخان همدانی، ویلیام گلن، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۷۴. کردی، محمداقرب طاهر، تاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، بیروت: دار خضر، ۱۴۲۰ ق.
۷۵. کلینی، محمداقرب یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۷۶. مجلسی، محمداقرب، بحار الانوار، تحقیق: محمداقرب بیهودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق.

۷۸. مسعودی، علی بن حسین (م. ۳۴۵ق)، التنبیه والاشرف، تحقیق: عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، دارالصاوی، بی تا.
۷۹. _____، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۸۰. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۸۱. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره: مكتبة مدبولی، ۱۴۱۱ق.
۸۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، تحقیق: پورسعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۸۳. مكارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۸۴. میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (م. ۵۲۰ق)، كشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۸۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ش.
۸۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
۸۷. نووی، محیی الدین بن شرف (م. ۶۷۶ق)، المجموع شرح المذهب، دارالفکر، بی تا.
۸۸. وات، ویلیام مونتگمری، مکه، تصویر شیعه در دفتر المعارف آمریکا، زیر نظر: محمود تقی زاده داوری، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ش.
۸۹. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسة العلمی، ۱۴۰۹ق.
۹۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (م. ۱۳۹۷ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۹۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (م. ۶۲۶ق)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۹۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. ۲۹۲ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
93. Chabbi, J. "Mecca", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
94. Hawting, Gerald R. "Ka'ba", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.
95. Leaman, Oliver, "Arabia", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.